

کشور قحطی زده سالانه پنجا بلیون دالر به ممالک همجوار اهدا میکند

عنوان فوق مبالغه نیست و از نگاه اقتصادی قرین به حقیقت است

معین وزرات آب و انرژی در یک مصاحبه مطبوعاتی با نامه نگار پژواک که بتاريخ ۸ اپریل اظهار داشت که به اساس سروی های مختلف مقدار آبهای سالانه افغانستان هفتاد و پنج میلیارد (بلیون) متر مکعب آب است که صرف بیست و پنج الی سی فیصد آن یعنی بیست و پنج بلیون متر مکعب آن در افغانستان در بخش زراعت به مصرف رسیده و متباقی به مقدار پنجاه بلیون مترمکعب این آبها بدون استفاده از افغانستان خارج شده و به سرسبزی و شگوفائی کشور های همجوار کمک میکند.

این ارقام احصائیوی شاید در نظر اول برای وطنداران اعداد بی اهمیت جلو کند ولی از نظر اقتصادی ضایعات بس بزرگ و جبران ناپذیر است که هر سال به پیکر اقتصادی این کشور خشک ، قحطی زده بیکار و بی روزگار وارد میشود. برای آنکه ما بتوانیم اهمیت اقتصادی این آب های از دست رفته را خوبتر توضیح کرده باشیم توسط یک سنجش ساده ارزش این آبها را به دالر به نرخ تعیین شده بین المللی چنین توضیح میکنیم .
قیمت فی مترمکعب آب در ساحه بین المللی حدود یک و نیم الی دو دالر تعیین شده و برای آنکه ما بخطا نرفته باشیم قیمت فی متر مکعب آب افغانستان را حد اقل یک دالرتعین میکنیم ، آبهای ضایع شده نظر به اظهارات معین آب و انرژی پنجاه بلیون مترمکعب به ارزش یک دالر فی مترمکعب تثبیت میکنیم که جمعا به ارزش پنجا بلیون دالر میشود .

پنجا بلیون متر مکعب آب یک ثروت بیکران طبیعی و دارائی مهم ملی است که ارزش آن نسبت به ذخایر گاز و نفت و مس و هرمعدن دیگر که در افغانستان تصور شود بلند تر است .
طرق استفاده معقول و اقتصادی آب در افغانستان :

ذخایر عظیم آب اگر در داخل افغانستان بطور اقتصادی استفاده شود کشور ما نتنها سرسبز بل به محیط زیست و شرایط اقلیمی کمک بزرگی خواهد نمود و مزید برآن به تعداد زیاد مردم بیکار در بخش زراعت جذب شده و بزودی افغانستان کشوری خواهد شد که محصولات زراعتی را به چهار گوشه وکنار جهان صادر خواهد نمود. و نظر به شرایط جیوفیزیکی که سرزمین ما دارد بند های بی شمار کوچک و بزرگ با سرمایه گذاری های خورد احداث شده و ساحه بزرگ زمین های بانیر ولامزروع کشور ما را که در حدود صدها ملیون جریب است آبیاری و هم به مقدار صدها هزارمیگاه وات که اساس وزیر بنای صنعت را در یک کشور تشکیل میدهد تولید خواهد شد. امروز در افغانستان مشکل بزرگ نداشت آب و انرژی است و نظریه شرایط و تغییرات نا مساعد اوضاع جوی در سرتاسر دنیا کشور ها به قلت آب و خشکسالی های منطقوی و حتی قاروی روبرو اند ، در افغانستان نیز در اثر کمبود ریزش برف و باران های موسومی از مقدار آب در یاها نیز کاسته شده و حتی در آب دریای هلمند به اندازه سی فیصد تقلیل بعمل آمده .

شاید نزد خوانندگان سوالی خلق شد که ساختمان بند های آبیاری به سرمایه گزاری هنگفت ضرورت دارد که افغانستان فاقد آن است و گذشته از آن احداث بند های بزرگ آبیاری پروژه های طویل المدت است . بلی این نظر در بعضی موارد واقعیت دارد پروژه های بزرگ مانند سروبی ، نغلو و غیره ولی میتود ها و طریقه های ساده آبرسانی و پروژه های زود رس اقتصادی وجود دارد که با سرمایه کم و به یک دور قصیر المدت در مناطق مختلف کشور به مرحله اجرا گذاشته میشود ، طوری که در کشور چین نیز این نوع پروژه های خورد با سرمایه کم عملی شده و از آن بهره خوب اقتصادی حاصل گردیده و در افغانستان نیز در مرحله اول این نوع پروژه ها طرح و برای عملی شدن آن بانیست اهالی منطقه دریک ولایت ویا ولسوالی ها مستقیما به این پروژه هاسهمیم شوند.

قبلا تذکر داده شد که نظریه شرایط و ساختمان جیوفیزیکی و توپوگرافی در افغانستان کا سه های بزرگ طبیعی ویا وادی های پهن و عمیق که اطراف آنرا کوه های بلند احاطه نموده در کشور ما زیاد است که به سهولت و مصرف کم میتوان مسیر رود خانه ها را به سمت این کاسه های طبیعی تغییر داد و این نوع کاسه ها در بسیاری ساحه کشور و بخصوص در ساحه مرکزی و شمال شرقی به تعداد زیاد موجود است مثال برجسته آن آب ایستاده انجمن که عمق آن به چند صد متر میرسد و اهالی منطقه آنرا بنام حوض انجمن یاد میکنند که منبع و سر چشمه دریای کوچکه را میسازد و در بین ولایت پنجشیر و بدخشان قرار دارد ، مثال دیگر آن بند امیر است که در حدود هفت بند را میسازد و اگر دولت

این پروژه های آبیاری و آب رسانی را روی دست میگیرد اهالی ولایات ولسوالی های مناطق متذکره دستگاه اداری کشور را به این نوع کاسه ها و موقعیت ها رهنمائی خواهد نمود. مقدار آب ذخیره شده بعدا توسط کانال ها ویا جوی ها به مناطق و سرزمین های بایر که فاقد آب اند رسانیده میشود. و درحرفر و تمديد این کانال ها و جوی ها دولت بانیست از مهندسين وانجنیران داخل کشور که بیکار اند استفاده کند و من یقین کامل دارم که مهندسين وانجنیران جوان ما از عهده سروی زمین ها و خط السیر کانال ها و تمديد جوی ها به وجه احسن برآمده میتوانند بشرط آنکه دستگاه اداری کشور به این جوان های ما چانس داده و کار رابه اهل آن بسپارد.

شرایط اقتصادی امروز در افغانستان به شرایط و بحران اقتصادی ۱۹۲۹ اروپا ویا بحران اقتصادی ۱۹۳۳ امریکاه مشابه است که در اروپا هیتلر برای از بین بردن بیکاری به تمديد اتوبان ها و احداث کانال ها اقدام نمود و توانست که به تدریج بیکاری را از بین برده و کشور آلمان را از بحران اقتصادی نجات دهد و هم به همین منوال در امریکاه که در سال های متذکره به بحران بزرگ اقتصادی رویرو بود , رئیس جمهور روزولت مانند اروپا به تمديد جاده ها , احداث بند های بزرگ آبیاری و ساختمان پل ها های بزرگ اقدام نمود و کشور شان را به تدریج از بحران اقتصادی نجات دادند و همان پروژه های که در زمان بحران اقتصادی تکمیل گردید امروز در رشد اقتصادی کشور های متذکره سهم مهم دارد.

دراغانستان نیز پنجا الی شصت فیصد قوای کار عاطل و بیکار است , کتله بزرگ کارگران برای جستجوی کار درجاده های کابل پرسه میزنند و بیکاری مزمن یک نا رضایتی اجتماعی را بار آورده مانند یک انبار باروتی است که دیر یا زود انفجار خواهد نمود. از جانب دیگر مهاجرین بطور روز افزون به تعداد هزار ها فامیل جیرا از پاکستان و ایران رانده شده به اصطلاح ایرانیان رد مرز میشوند و حکومت افغانستان هم کدام پلان مشخص اجتماعی و اقتصادی که تهیه مسکن , خلق کار , تاسیس مکاتب , شفاخانه و غیره امور اجتماعی است برای این مهاجرین ندارد , پس بهترین چاره آنی طرح یک پلان اضطراری است که به تعداد زیاد این بیکار هارا به پروژه های حفر کانال ها و آوردن آب های ذخیره شده به سرزمین های بایر مصروف ساخته و سرزمین های وسیع را به منظور زراعت در اختیار قوای کاری که در این پروژه ها مصروف میشوند برای مدت ده الی پانزده سال به قیمت نازل و به اقساط تادیوی بدسترس مهاجرین بیکار که در پروژه های آبیاری بطور فعال سهم گرفته اند و زمین های بایر و خشک را قابل زرع میسازند و اگرار شود در پهلوی آن ادارات دولتی خدمات اجتماعی مانند آب آشامیدنی , مکاتب کلینیک مساجد و غیره موسسات کوچک که تقاضای ابتدائی این کارگران را مرفوع سازد در طول این کانال ها به یک فاصله معین تهیه نماید و به این ترتیب از یک طرف از بیکارانی که در شهر کابل تمرکز یافته و یک اختناق اجتماعی و اداری رابار آورده اند کاسته شده و از جانب دیگر در مسیر این پروژه های آبیاری مردم بیکار مسکون و مصروف شده و به تدریج به مراکز کوچک و بزرگ اقتصادی تبدیل خواهند شد .

پیامد های منفی اقتصادی و سیاسی ریزش مجانی آب به کشور های همجوار:

کابل بزرگترین دریاست که در قسمت درونته با دیگر رود خانه های فراوان آب مانند دریای پنجشیر, دریای علیشنگ و علینگار کتر ملاقی و دریای باعظمت را ساخته که با سرعت عجیب بسوی خاک پاکستان در جریان است و شهر اتک محل تقاطع دریای کابل و سند را میسازد که بسوی جنوب پاکستان روان و سرزمین های ملتان , علی پور و حیدرآباد را سرسبز میسازد و یکی از دلایلی که پاکستان نمی خواهد که در افغانستان یک استقرار سیاسی و اجتماعی رونما شود موضوع ریزش آب دریای کابل به پاکستان است و پاکستانی ها خوب درک کرده اند که حکومت قوی افغانستان روزی از پاکستان جدا تقاضا خواهد نمود که در مورد آب های مفت و مجانی افغانستان در پای میز مذاکره کشانده میشود.

نگارنده به عنوان کارشناس مسایل اقتصادی از حکومت آقای کرزی و اراکین بلند پایه اداری کشور تقاضا میکنم که افغانستان جبران پولی آب های خویش را به قیمت فی متر مکعب یک دالر امریکائی از پاکستان مطالبه کند و این موضوع را هرچه زودتر به حکومت پاکستان در میان گذاشته و در این زمینه با پاکستان به یک موافقه برسد اگر در این موضوع حکومت افغانستان غفلت میکند شاید روزی برسد که پاکستان بایک نیرنگ جدید پیش از اینکه افغانستان متوجه شود اقدامی نماید که حق آبه مجانی دریای کابل را برای کشور خود بدون جبران پولی تضمین نماید.

در این اواخر بین کویت و کشور های همجوار یک موافقه بعمل آمد که به اساس آن کشور های همجوار به مقدار نوسد میلیون متر مکعب به قیمت یک میلیارد و پینجصد میلیون دالر به کویت صادر میکنند.

باتاسف عمیق که افغانستان با کشور های همسایه های شمال (رود آمو و کوکچه) و پاکستان (دریای کابل) در بخش توزیع و صدور آب کدام موافقه بین المللی ندارد و صرف در سال ۱۹۷۳ قراردادی با حکومت ایران عقد نمود که ایران سالانه به مقدار ۸۵۰ میلیون متر مکعب از آب دریای هلمند را بطور مجانی بدست میاورد . حال موقع آن

رسیده که در موافقه نامه ۱۹۷۳ آب هلمند نیز تجدید نظر شود و همچنان دریای هریرود نیز بطور مستقیم به سرزمین های ایران بدون کدام موافقه و یا جبران پولی سرازیر میشود.

پاکستان مدت مدیدی است که راه ترانزیت رابه افغانستان به حیث یک وسیله فشار سیاسی و اقتصادی استفاده نموده و افغانستان را بارها در تنگنای اقتصادی قرار داده و اگر افغانستان بخواهد که برای همیشه این تهدید پاکستان را از میان بردارد بانیست بالمقابل آب دریای کابل را یک آله فشار اقتصادی برای پاکستان بسازد.

افغانستان در اثر خشک سالی پیهام به کمبود مواد غذائی روبرو شد و فعلا هم در بعضی ولایات مانند اروزگان ، بامیان و دیکندی اهالی به قحطی و گرسنگی روبرو اند و ملل متحد برای رفع گرسنگی و قحطی از جامعه بین المللی تقاضای کمک را نمود.

در هفته نامه امید شماره ۸۱۹ خبر کوتاه نظرم را جلب نمود که یکصد و هفتاد هزار تن آرد توسط بخش خصوصی از روسیه و ایران خریداری و به افغانستان وارد شد و باز هم در امید شماره ۸۲۰ خبر دیگری نشر گردید که به مقدار پنجا هزار تن گندم از پاکستان بطور عاجل برای رفع بحران مواد خوراکی در افغانستان وارد شد . قبلا بین حکومت پاکستان و افغانستان قرارداد توريد یک ونیم ملیون تن گندم موافقه شده بود و پاکستان بحران مواد غذائی جهان شمول را بهانه قرار داده و باز به همان روش نامطلوب خود که افغانستان را به یک مضيقه سیاسی قرار دهد صادرات گندم رابه کشور ما متوقف ساخت ولی در اثر میانجی موسسه ملل متحد و فشار کشور های اروپا و امریکاه دوباره صادرات مواد غذائی را به افغانستان اجازه داد.

گندمی که از پاکستان به افغانستان وارد میشود توسط دریای کابل بطور مجانی آبیاری شده و پاکستان نتنها راه ترانزیتی را بل صدور مواد ارتزاقی را که توسط آب مجانی کشور ما تولید شده به حیث یک حيله و آله فشار اقتصادی به مقابل کشور قحطی زده ما استفاده میکند.

وقت آن رسیده که دستگاه اداری و سیاسی افغانستان در مورد استفاده اعظمی آبهای کشور توجه عمیق نموده و پروژه های آبیاری و آبرسانی را بطور جدی در طرح پلان های اقتصادی خویش رجعان و مملکت را از کمبود مزمن مواد غذائی که دامنگیر کشور فقیر شده رهانیده و هم دست تعرض پاکستان را که در جستجوی بهانه های مختلف به منظور ضعیف شدن موقف اقتصادی سیاسی افغانستان است کوتاه سازد.

پایان